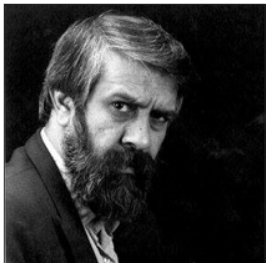


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## سرفصل داغ و درد



استاد ناصر فرهنگ‌فر در چهارم آبان ۱۳۲۶ هجری شمسی در شهرری متولد شد. وقتی ۷ سال داشت با کوزه‌های گلی نخستین تمرینات خود را انجام می‌داد و بعدها با خرید تنبک عمومیش شروع به فراگیری این ساز کرد. استعداد قابل ملاحظه فرهنگ‌فر، استاد حسین تهرانی را مجاب کرد که وی را به شاگردی بپذیرد. در این دوره ناصر فرهنگ‌فر از داشته‌های اساتید بنامی همچون عبدالله دومی، سیدحسن میرخانی و علی اکبر کاوه بهره برد. از سال ۱۳۴۲ به عنوان مدرس ساز تنبک به فعالیت پرداخت. به پیشنهاد دوستش بهمن رجبی در برنامه‌های معروفی به نام هفت شهر عشق، گل‌های تازه و گلچین هفته با استاد بهاری و لطف‌الله مدجد و… برنامه اجرا کرد. فرهنگ‌فر نقش بسزایی در شکوفایی جریان موسیقایی گروه شیدا و عارف ایفا کرد. تاپیش از او فعالان عرصه موسیقی، به تنبک تنها به عنوان سازی همراهی کننده در ارکستر نگاه می‌کردند اما نوازندگی فرهنگ‌فر این ذهنیت را دگرگون کرد. از اجرای ادوار ریتمیک با تکنیک‌های غیر مرسوم می‌توان به عنوان برجسته‌ترین خاصیت نوازندگی این استاد بنام یاد کرد. از سال ۵۱ با محمدرضا شجریان، محمدرضا طغی، حسین علیزاده، داریوش طلایی، داوود گنجهای، پرویز مشکاتیان و… برنامه‌های متعددی اجرا کرد. فرهنگ‌فر طبع و قریحه خاصی در سرودن شعر و غزل داشت. اولین غزلش را در سن ۱۲ سالگی سرود. غزلی که فقط چند بیت از آن باقی‌مانده است: تا اشک من ترانه غم ساز می‌کند /صدها هزار عقده دل باز می‌کند / سرفصل داغ و درد مراد کتاب عمر / افسانه نگاه تو آغاز می‌کند…

او ۲۳ مرداد ۱۳۷۶ در ۵۰ سالگی چشم از جهان فروست.

### خودزنی / محیط زیست

## این لقمه‌های حرام

**مقدار زیادی گوشت شکار از یک مغازه قصابی در لردگان کشف شد**

پایگاه خبری دیده‌بان محیط زیست و حیات وحش ایران نوشت: «چندی قبل گزارشی در اختیار اداره محیط زیست شهرستان لردگان قرار گرفت مبنی بر اینکه یک شکارچی متخلف به صورت گسترده اقدام به شکار غیر مجاز در استان‌های مجاور نموده و گوشت شکارها را از طریق یک قصابی در شهرستان لردگان به فروش می‌رساند. پس از دریافت این گزارش تحقیقات در این زمینه آغاز شد و نیروهای یگان محیط زیست قصابی مذکور را به صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند. مامورین متوجه شدند در بسیاری از روزها با وجود اینکه درون یخچال وینترین قصابی گوشتی وجود ندارد اما مشتریانی وارد مغازه شده و به همراه بسته‌های مشکوکی از قصابی خارج می‌شوند.

محیط‌بانان پس از هماهنگی با دادستان و اخذ نیابت قضایی به قصد بازرسی از قصابی عازم محل شدند اما متخلف از موضوع با خبر شده و دقایقی قبل از رسیدن مامورین، از قصابی خارج شده و در مغازه را قفل می‌کند. ماموران موضوع را به اطلاع دادستان رسانده و دادستان دستور می‌دهد نیروهای انتظامی در محل حاضر شوند و محیط‌بانان نیز تا رسیدن نیروهای پلیس به وسیله یک قفل دیگر در قصابی را پلمب کنند. محیط‌بانان قفل دیگری را به در قصابی می‌زنند و تا رسیدن نیروی انتظامی منتظر می‌شوند. در این فاصله صاحب قصابی به محل بازگشته و با مشاهده محیط‌بانان از طریق پشت بام همسایه‌ها خودش را به پشت بام مغازه می‌رساند. متخلف سعی می‌کند از طریق پشت بام سوراخی را در سقف ایجاد نموده و مدارک جرم را از داخل مغازه خارج کند اما در همین هنگام نیروهای انتظامی سر رسیده و متخلف نیز از طریق پشت بام متواری می‌شود.

در این لحظه عده‌ای از اهالی با تجمع در محل و ایجاد اغتشاش سعی می‌کنند با ماموران درگیر شوند و روند انجام ماموریت آنان را مختل کنند اما خوشبختانه این افراد با دخالت نیروی انتظامی متفرق می‌شوند. پس از حضور نیروی انتظامی با دستور مقام قضایی قفل در قصابی شکسته شده و ماموران وارد مغازه می‌شوند. در جریان بازرسی از داخل قصابی از یخچالی که پشت مغازه قرار داشت لاشه به سه کل وحشی کشف و ضبط شد و مراتب در حضور ماموران کلانتری صورت جلسه شد. با شکایت اداره محیط زیست پرونده‌ای در این رابطه در مراجع قضایی تشکیل شده و مالک قصابی و شکارچی متخلف که هویت هر دو کاملا مشخص است به جرم شکار غیر مجاز و فروش اجزای بدن جانوران وحشی به دادگاه احضار شده‌اند…»

سوال این است که واقعا خوردن گوشت حیواناتی که شکار آنها ممنوع اعلام شده به این دردرس‌های ارزد؟ می‌ارزد که آدمیزاد برای تجربه یک طعم تازه از گوشت، هم به حیات وحش سرزمینش آسیب برساندو هم خود و عده‌ای دیگر را وارد ماجرابی کند که البته پایان آن معلوم است؟ آیا این افراد با محکوم شدن به زندان و پرداخت غرامت جرمی که مرتکب شده‌اند دست از این رفتارهای سبعانه بر خواهند داشت؟ و پرسش آخر اینکه: آنها مرتکب جرم می‌شوند و خدا را شکر به سزای اعمالشان خواهند رسید. عده‌ای که مشتری گوشت شکار غیر مجاز این مجرمان بوده‌اند بچه‌توجهی این لقمه‌های حرام را فروداده‌اند؟



### فارسی را پاس بداریم

## سرگردانی در صحرای «ذ» و «ز»

دیروز در خبر آنلاین در پایان یکی از یادداشت‌های صفحه‌یک خواندم: «… باز هم سپاسگذار حضرت آقای لاریجانی، و سپاسگذارتر از اینکه هر از گاهی اصحاب رسانه‌ای را که پایشان به دادسرا و دادگاه باز شده‌ومی‌شود، فرابخوانید و…» موضوع بحث امروز مانه اشکالات نگارشی این یادداشت، بلکه امادی کلمه «سپاس گزار» است که در متن به غلط «سپاس گذار،» نوشته شده است. بارها برایم پیش آمده که دوستان و همکارانم بپرسند: بنیان گذار درست است یا بنیان گزار؟ نماز گزار یا نماز گذار؟ و… برای پاسخ به پرسش‌های فوق باید دید «گذاشتن» یا «گزاردن» چه فرقی دارد؟ ابوالحسن نجفی در کتاب «غلط‌نویسیم» آورده است: «عده‌ای گمان می‌کنند اگر «گذاشتن» دلالت بر عملی عینی و ملموس نکندیا، به بیان دیگر، اگر مفعول آن جسم نباشد، باید با حرف «ز» نوشته شود. مثلا «قانون» یا «بذعت» یا «بنیان» چون جسم عینی و ملموسی نیست، در ترکیب با این فعل لابد می‌شود قانون گزار یا بدعت‌گزار یا بنیان گزار. این تصور، نادرست در وهله نخست ناشی از خلط معنای حقیقی و معنای مجازی گذاشتن و در وهله بعد ناشی از خلط معنای این فعل با معنای فعل گزاردن است. گذاشتن، در

«هرکه پندار که نزدیک تر است، او به حقیقت دورتر است، چون افتاب که بر روزن می‌افتد، کودکان خواهند که تا آن ذره‌ها بگیرند، دست در کنند، پندارند که در قبضه‌ی ایشان آمد، چون دست باز کنند، هیچ نبینند.» (عطار نیشابوری، قرن ششم، تذکره الاولیاء)

| اوقات شرعی: اذان صبح: ۵:۴۰ | اذان ظهر: ۱۲:۳۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۰ | اذان مغرب: ۲۰:۱۵ |

**نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر**

## بودنی آزاد برای خودمان

نامه‌های مارتین هایدگر به همسرش تجدید چاپ شد

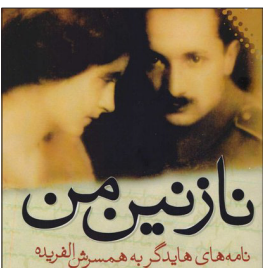
کتاب «نازنین من» شامل نامه‌های مارتین هایدگر فیلسوف برجسته قرن بیستم به همسرش الفریده، پس از انتشار در سال ۱۳۸۶ برای دومین نوبت با ترجمه مهشید میرمعزی از سوی نشر نقش و نگار منتشر شد.

میرمعزی درباره این کتاب و اهمیت آن اظهار داشت: هایدگر از جمله فلاسفه‌ای است که هیچ موضوعی از زندگی شخصی وی در زمان حیاتش به بیرون درز نمی‌کرد. این موضوع نه به خاطر این بود که اساسا چیزی در این زمینه به صورت علنی وجود نداشت که منتشر شود، بلکه نوع اظهارنظر و موضع‌گیری او در برابر ناسیونال سوسیالیسم و نیز لابی اسرائیلی‌ها در اروپا مانع از هر نوع مطرح شدن اندیشه و نظری درباره وی می‌شد. با این همه این کتاب و بخشی از نامه‌هایی که او در طول سال‌های حیاتش به همسرش نوشته برای نخستین بار توانست زوایایی از زندگی او را بشکافد و معرفی کند.

وی ادامه داد: این نامه‌ها اگر تود هایدگر نوه پسرری مارتین و الفریده که بنا به وصیت الفریده و با نظارت وی طبقه‌بندی و برای انتشار آماده کرد. با اینکه نامه‌های هایدگر به همسرش بیش از هزار قطعه است، این کتاب در نهایت تنها گزیده‌ای از آنها را در بر دارد؛ گزیده‌ای که خانواده و همسر هایدگر به انتشارش رضایت داده‌اند. خانواده وی تصمیم دارد تمامی نامه‌ها را در نهایت برای استفاده در آرشیو عمومی به مراکز پژوهشی هدیه کند.

این مترجم در ادامه گفت: این کتاب تنها شامل نامه‌های هایدگر به همسرش است و هیچ ردی از پاسخ‌های احتمالی همسرش به او در دسترس نیست. هایدگر به تناسب محل تدریس و اقامت خود در قالب نامه‌هایی موضوعاتی را با الفریده در میان می‌گذاشته است که بخشی از دنیای فلسفی و اندیشه‌ای است که به آن تعلق خاطر دارد. همچنین این نامه‌ها توانسته برای نخستین

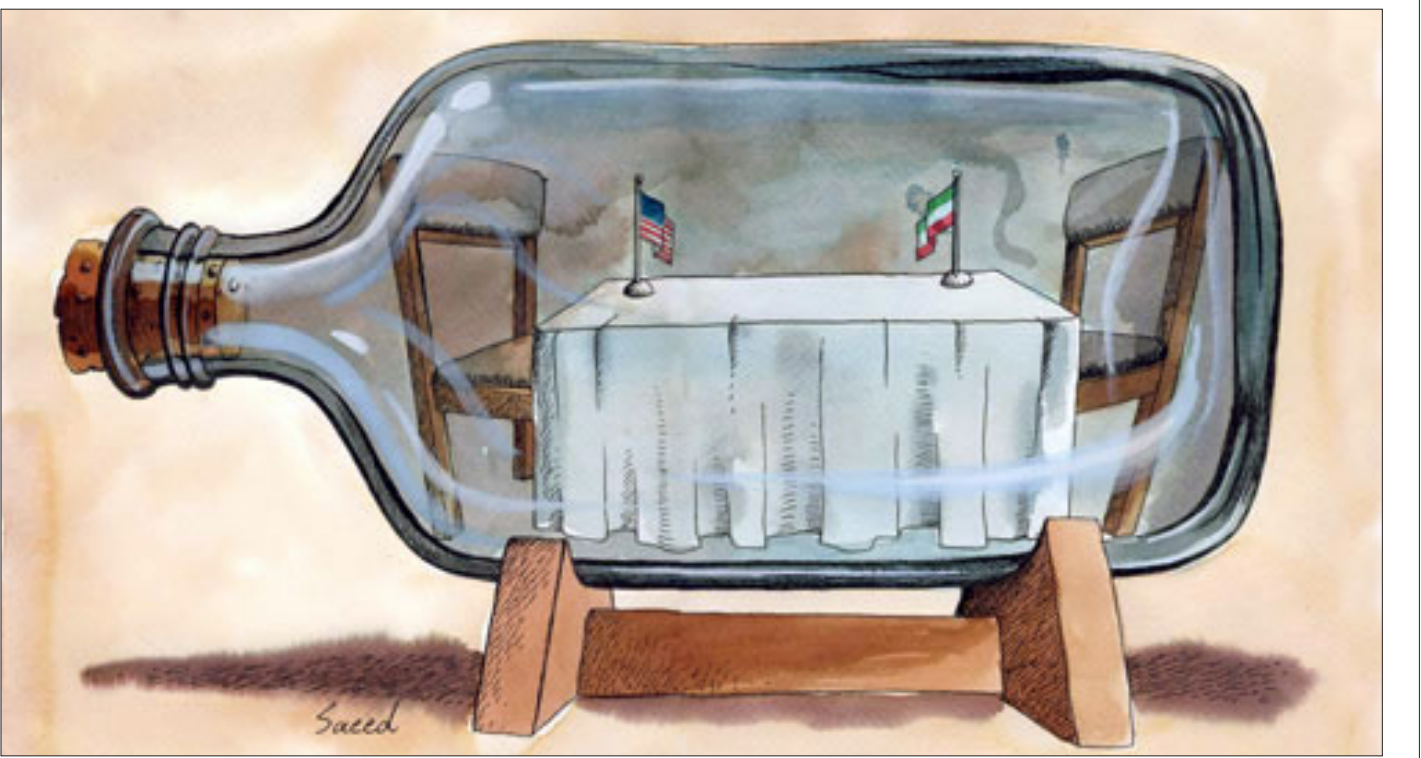
«هرکه پندار که نزدیک تر است، او به حقیقت دورتر است، چون افتاب که بر روزن می‌افتد، کودکان خواهند که تا آن ذره‌ها بگیرند، دست در کنند، پندارند که در قبضه‌ی ایشان آمد، چون دست باز کنند، هیچ نبینند.» (عطار نیشابوری، قرن ششم، تذکره الاولیاء)



«نازنین من» نامه‌های هایدگر به همسرش الفریده گردآوری و تدوین: گرتود هایدگر مترجم: مهشید میرمعزی ناشر: نقش و نگار قیمت: ۲۵ هزار تومان

هنگام لحاظ معنوی، هنگام بحران در رابطه با کار شخصی‌ام، در توانایی داشتن حس همدردی، هنگام تنش‌های موقت و دائمی و گرفتاری تأثیر بگذارند، نه، بلکه چون تو عزیز، کاملاً شاداب باش، بوسه‌هایت، هشتادارهای مادرانه‌ات و زنانه‌ترین تمناهایت، تمام روحت، کاملاً شاداب در من تأثیر می‌گذارد، چون تو متعلق به من هستی و من متعلق به تو، چون مادر یک کمال متفاوت آفرینش خداوندی، متعلق به او هستییم، نیاز به یک واقعیت واقعی و شخصی داریم، بودنی آزاد برای خودمان.»

### گردش روزگار برعکس است

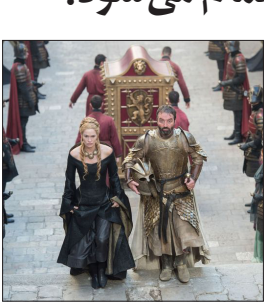


طرح: سعید صادقی

بدون شرح

### با کاروان حله / اخبار هنر

## «بازی تاج و تخت» چگونه تمام می‌شود؟



نویسنده «بازی تاج و تخت» گفت منتظر دیدن یک پایان سراسر خونریزی و خشن نباشید. هر کسی که سریال «بازی تاج و تخت» را دیده باشد، می‌داند این فیلم سرشار از صحنه‌های خشن و پر از خون‌ریزی است. بر همین اساس بسیاری انتظار دارند، نویسنده این اثر پایانی مرگبار و وحشی برای این سریال در نظر گرفته باشد. با تمام این تفاسیر جرج آر آر مارتین گفت پایان «بازی تاج و تخت» این‌گونه نخواهد بودو داستان این سریال با تأثیر از پایان «ارباب حلقه‌ها» پایانی تلخ و شیرین خواهد داشت.

مارتین گفت: «من هنوز پایان داستان را ننوخته‌ام. من پیش از نیز گفته‌ام که پایانی که برای این کار در نظر گرفته‌ام به نوعی تلخ و شیرین است. همه می‌دانند که جی آر آر تالکین اثر زیادی روی من داشته است، و من نیز شیوه او را برای پایان دادن به داستان «ارباب حلقه‌ها» می‌پندم.»

مارتین در ادامه حرف‌هایش گفت: «داستان با پیروزی به پایان خواهد رسید، اما نایک پیروزی کامل شیرین.» بر خلاف فیلم «ارباب حلقه‌ها» که نهایت‌ها در پایان به سرزمین خود بازمی‌گردند، در کتاب تالکین، که تأثیر بسیار زیادی روی مارتین گذاشته است، سارومان جادوگر سفید، بر سرزمین آنها مسلط می‌شود. تنها زمانی سرزمین آنها به حالت طبیعی بازمی‌گردد که سارومان کشته شده است.

چگونه می‌توان از پایان این کتاب، انتهای سریال «بازی تاج و تخت» را حدس زد؟ می‌بایست منتظر بمانیم و ببینیم، هرچند زمان زیادی تا پایان کارپیش روی تماشاگران این مجموعه است.

## شبکه نمایش خانگی غافلگیر شد



استقبال از عرضه سریال «دندون طلا» به کارگردانی داود میر باقری با وجود رکودی که پیش از این در شبکه نمایش خانگی به چشم می‌خورد، غافلگیرکننده است. میر باقری سال‌ها قبل «دندون طلا» را در قالب نمایش روی صحنه برده بود و حالا آن را در قالب مینی سریال به شبکه نمایش خانگی عرضه کرده که پخش بخش نخست آن با استقبال روبه‌رو شده است؛ استقبالی که بعد از شکست برخی سریال‌ها در شبکه نمایش خانگی چندان قابل تصور نبود. در خلاصه داستان «دندون طلا» آمده است: تیزر دختری مهاجر با پدری علیل ساکن حلیی آبادهای حاشیه شهر تهران و مشغول دوره گردی و دست‌فروشی است. او به جرم سعد معبر کردن با پاسبانی درگیر شده و یا به فرار می‌گذارد و به قهوه‌خانه‌ای پناه می‌برد که پاتوق عده‌ای از لات و لوت‌های شهر است. صاحب قهوه‌خانه شخصی است به نام قنبر دیزل (ملقب به «دندون طلا») که به تیزر پناه می‌دهد. قنبر از شجاعت و باکدامنی و رحمت‌کنشی تیزر خوشش می‌آید و تیزر نیز از جوانمردی و حق‌طلبی او. این آشنایی منجر به عشقی آتشین نشده که فرجامش بارداری تیزر است. قهوه‌چی بعد از آن‌که عشقش فروکش کرده است پشیمان شده و متکر بچه می‌شود… تیزر وقتی با طینت ناپاک قنبر مواجه می‌شود تصمیم هولناکی می‌گیرد. او قصد دارد به کمک بچه‌ای که در شکم دارد از قهوه‌چی انتقام بگیرد اما…

مهدی فخیم‌زاده، باران کوثری، بهناز جعفری و حامد بهداد از بازیگران این مجموعه هستند.

### فارسی را پاس بداریم

## سرگردانی در صحرای «ذ» و «ز»

معنای حقیقی کلمه، «قرار دادن به‌طور عینی و مشهود» است، مثلا: «لیوان را روی میز می‌گذارم.» اما گذاشتن مجاز به معنای «قرارداد کردن، وضع کردن، تأسیس کردن» است و چون مقصود از قانون گذار کسی است که قانون را وضع می‌کند باید به همین صورت، یعنی با حرف «ذ» نوشته شود. همچنین است قانون‌گذاری به معنای «وضع قوانین»، چنان‌که گویند: «مجلس قانون‌گذاری» و… نیز بدعت‌گذار کسی است که بدعت را وضع و تأسیس می‌کند و بنا بر این با حرف «ذ» نوشته می‌شود… اما گزاردن، نخست باید دانست که گزاراشتن با «ز» و گزاردن با «ذ» غلط است و صحیح گذاشتن و گزاردن است. خلط این دو فعل اخیر از آنجائ ناشی شده که صیغه امری هر دو از لحاظ آوایی یکسان است، یعنی امر گذاشتن می‌شود گزاردن و امر گزاردن می‌شود گزار. ولی معنای آنها البته یکسان نیست. گزاردن معنای متعددی دارد که همه آنها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱) یکی به معنای به جا آوردن یا ادا کردن یا بر طبق استعمال معاصران اجرا کردن و انجام دادن. مثلا نماز گزاردن یعنی ادا کردن نماز، بنا بر این باید نوشت نماز گزار و نه نمازگذار. یا وام گزاردن یعنی

ادا کردن وام، بنا بر این وام‌گزار صحیح است و نه وامگذار. همچنین باید نوشت: حج گزار، خراج گزار، سپاس گزار، خدمت گزار، حق گزار، سنت گزار و…

۲) معنای دوم گزاردن «برگرداندن از زبانی به زبان دیگری یا بیانی به بیان دیگری یا به تعبیر این زمان، از نظامی (سیستمی) به نظام دیگر» است. بنا بر این مرادف است با ترجمه کردن (گزارنده و گزارش به معنای مترجم و ترجمه‌یافته است) یا تعبیر کردن و شرح دادن (خواه‌نگزاری یعنی تعبیر خواب و خواب‌گزار یعنی معبر). اصطلاحات گزارشگر و خبرگزاری که امروزه در معنای خاصی به کار می‌روند یا از همین معنای اخیر گرفته شده‌اند یا مانند پیغام‌گزار از معنای اول گزاردن.»

به گمانم توضیحات دکتر نجفی در این باب راهگشاست با این حال در یکی از روزهای آینده واژه‌هایی را که برای نوشتنشان میان پرسش «ذ» یا «ز» ملق می‌مانیم در حد بضاعت این ستون فهرست خواهیم کرد. امید که آن فهرست را نصب العین خود کنیم و زین پس به جای سپاس گزار ننویسیم:

سپاس گذار!!!